

ریبین حیدری در سال 1347 در شهر بوکان متولد شد. فعالیت هنری خود را به مانند خیلی از هنرمندان از دوران کودکی و با کشیدن نقاشی آغاز کرد. بعدها بیشتر عاشق پیکره‌سازی می‌شود و به صورت تخصصی آموختن این هنر را دنبال می‌کند.

ریبین از دانشگاه «پافا» در «فیلادفیا»ی آمریکا موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد مجسمه‌سازی می‌شود. از سال 1994 میلادی آثارش را در نمایشگاه‌های فردی و گروهی در معرض دید علاقمندان قرار می‌دهد. بیشتر نمایشگاه‌های او در کشورهای سوئد، ایتالیا، دانمارک، فنلاند و برخی دیگر از کشورهای اروپایی برپا شده است. از سال 2000 به بعد هم در آمریکا نمایش برگزار کرده و در تهران نیز در نمایشگاه «بینال دو سالانه مجسمه‌سازی» حضور داشته است. در زادگاهش بوکان شهر هنر و موسیقی هم دو بار اقدام به برپائی نمایشگاه کرده است. او عضو انجمن مجسمه‌سازان ایران و همچنین سوئد می‌باشد.

به گفته خودش استاد مشخصی در پیکره‌سازی ندارد؛ اما تشویق‌های خانواده، دوستان و هنرمندان دیگر این رشته را مشوق خود می‌داند.

بعضی از آثار این هنرمند در مکانهای عمومی به صورت دائمی در بعضی از کشورهای اروپایی و همچنین ایران نصب شده است.

از دیگر اقدامات ریبین تأسیس یک آکادمی مجسمه‌سازی به نام «ریبین» در بوکان است

آدرس موسسه و آکادمی ریبین:

بوکان--شهرک فرهنگیان -- انتهای بلوار دانش آکادمی ریبین

شماره تماس: 00989143806024



هنر تنفس روح است.

کردپرس؛ هنرمند بوکانی گفت: در این قرن انسان می‌بایست بیشتر از شعور و منطق و تفکر خود بهره می‌گرفت تا صلح و آرامش در دنیا یک رویا نباشد.

در زندگی روزمره با کسانی برخورد می‌کنیم که بسیار صبورانه، بی‌سر و صدا و آرام مشغول کار خود هستند و وقتی هم با فعالیت‌هایشان مواجه می‌شویم؛ تازه می‌فهمیم که به چه کسانی نزدیک بوده‌ایم که بی‌ادعا تلاش کرده‌اند و کسی از کار آنها خبر نداشته است. این مهم در دنیای هنر بیشتر از دیگر عرصه‌ها نمایان است. هنرمندانی بوده‌اند و هستند که بدون توجه به حواشی و جزئیات، حرف و حدیث‌های پیرامون با عشق و علاقه و ایمان به باورها و تلاشهای خود مشغول فعالیت هنری یا فرهنگی خود هستند و بارها مورد بی‌مهری از جانب مسئولان و هم از جانب مردم قرار گرفته‌اند اما باز با اعتماد به نفس و تلاش شبانه‌روزی به راهی که برگزیده‌اند ادامه می‌دهند.

در یکی از روزهای پاییز میزبان یکی از این نوع هنرمندان بودیم. کسی که با تلاش و سادگی در راه آموختن الفبای هنر فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشته و از هیچ تلاشی دریغ نورزیده است. خود می‌گوید برای در اختیار قراردادن آموخته‌ها و هنرش به فرزندان این آب و خاک کوتاهی نمی‌کند. مهمان ما «ریبین حیدری» هنرمند پیکره‌ساز بوکانی است.

ریبین حیدری در سال 1347 در شهر بوکان متولد شد. فعالیت هنری خود را به مانند خیلی از هنرمندان از دوران کودکی و با کشیدن نقاشی آغاز کرد. بعدها بیشتر عاشق پیکره‌سازی می‌شود و به صورت تخصصی آموختن این هنر را دنبال می‌کند.

ریبین از دانشگاه «پافا» در «فیلادلفیا»ی آمریکا موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد مجسمه‌سازی می‌شود. از سال 1994 میلادی آثارش را در نمایشگاه‌های فردی و گروهی در معرض دید علاقمندان قرار می‌دهد. بیشتر نمایشگاه‌های او در کشورهایی چون سوئد، ایتالیا، دانمارک، فنلاند و برخی دیگر از کشورهای اروپایی برپا شده است. از سال 2000 به بعد هم در آمریکا نمایش برگزار کرده و در تهران نیز در نمایشگاه «بینال دو سالانه مجسمه‌سازی» حضور داشته است. در زادگاهش بوکان شهر هنر و موسیقی هم دو بار اقدام به برپائی نمایشگاه کرده است. او عضو انجمن مجسمه‌سازان ایران و همچنین سوئد می‌باشد.

به گفته خودش استاد مشخصی در پیکره‌سازی ندارد؛ اما تشویق‌های خانواده، دوستان و هنرمندان دیگر این رشته را مشوق خود می‌داند.

بعضی از آثار این هنرمند در مکانهای عمومی به صورت دائمی در بعضی از کشورهای اروپایی و همچنین ایران نصب شده است.

از دیگر اقدامات ریبین تا □ سیس یک آکادمی مجسمه‌سازی به نام «ریبین» در بوکان است. مصاحبه کوتاه پیش رو را به منظور ارج نهادن به تلاش‌های او و اطلاع عموم از این فعالیت‌های هنری با وی انجام می‌دهیم و که در پی آن می‌خوانیم.



• کاک ریپین می‌خواهم برای شروع پپرسم چقدر از هنر پیکره‌سازی لذت می‌بری؟

- باید بگویم به اندازه نفس کشیدن از هنر پیکره‌سازی لذت می‌برم. به همان میزانی که نفس کشیدن برای حیات انسان لازم است به همان اندازه هم لذت‌بخش است و هنر و پیکره‌سازی نیز برای من همان حکم را دارد.

• بر اساس تفسیر شما هنر خود زندگیست؟

- دقیقا □ این اعتقاد بیشتر هنرمندان است و یک اثر هنری به مانند فرزند صاحب اثر است و گرفتن و ازین بردن یک اثر هنرمند به مانند گرفتن و ازین بردن فرزند اوست و گاهی یک اثر حکم زندگی خود هنرمند را دارد و بی هنر زندگی لذت ندارد.

تأثیر هنر بر زندگی فردی و اجتماعی از دیدگاه جامعه شما؟

- در واقع زندگی به تنهایی معنایی ندارد مگر با هنر آمیخته شود - این البته نظر من است - هنر به خودی خود دارای معنا نیست بلکه خود معنایی است برای زندگی، پس تا □ تیر هنر بر فرد بی نهایت و می تواند یک ساختار اصولی و درست را برای فرد نمایان و در زندگی گروهی باعث سرزندگی، صبوری آرامش و باعث هدفمند شدن جامعه می شود.

با این توضیح زیبایی شما در مورد تأثیر هنر بر زندگی فرد و جامعه است، چرا در دنیای حاضر هنر کم رونق است و کمتر به آن توجه می شود؟

- همین طور است و دلیل اصلی آن مشکلات و گرفتاریهای روزمره افراد و معضلات موجود در جامعه است. یعنی وضعیت مشیعتی انسانها و کمبود و نبود امکانات بیکاری و فشارهای دیگر فرد و جامعه را از دنیای زیبای هنر دور می کند که خود این مسئله به ضرر جامعه است. در این مسئله عدم آموزش لازم و اطلاع رسانی کافی برای درک و نهادینه کردن هنر و تا □ تیرات و لذت های آن از دیگر عوامل دوری جامعه از هنر است.

به نظر شما در این میان جنگ قدرتها و تفکرهای حاکم استعماری دنیا بر این مسئله تأثیر نداشته؟

- قطعاً □ همین طور است. کشمکش های قدرت و تفکر قدرت طلبی بر ملل دنیا از جانب هر دولت و کشوری به ضرر مردم و هنر است و تا دنیا به آرامش نرسد جنگ و قدرت طلبی توقیف نشود؛ زندگی افراد و جامعه همیشه با استرس همراه با مشکلات و وضعیتی خواهد بود که در جواب سوال قبلی اشاره کردم . در این میان هم انسانها فقط به فکر جان خود هستند، کسی توجهی به هنر و دنیای هنر و جزئیات آن نخواهد کرد و در این راستا تا □ تیر هنر هم کم رنگ خواهد شد و زندگی بدون هنر هم که همه می دانند همانند زندگی بدون آب برای ماهی است.

جناب عالی در این رابطه و مطرح کردن این موضوع اقدامی کرده اید؟

- در ابتدا باید بگویم اقدامهایی از این نوع موجب تا □ تیر بر شخص هنرمند و خلق یک اثر هنری در ذهن و فکر او خواهد شد. یک هنرمند بنابر تا □ تیر همان شیوه رفتاری با تولید آرامش می تواند اعتراض و راهکارهای خود را ادامه بدهد. بنده نیز در زمینه توقیف جنگ و جنگ طلبی و رعایت حقوق بشر آثاری داشته ام، علی الخصوص ساخت مجسمه «آشتی» که نشانی از آرامش، آسایش، برابری، توقیف جنگ و قدرت طلبی و نمود جهانی پر از صلح و صفا و یکرنگی را جلوه می دهد. البته من در بیشتر آثارم به مرکز شعور و تفکر انسان که همان میدان تصمیم گیری و نقطه عطف اوست معترض هستم و معتقدم که در این قرن انسان می بایست بیشتر از شعور و منطق و تفکر خود بهره می گرفت تا صلح و آرامش و آشتی در دنیا یک رویا نباشد.

کاک ریپین جنابعالی غیر از پیکره سازی به نقاشی هم مشغول هستید، در این زمینه دارای آثاری هستید؟

- در ابتدا باید بگویم نقاشی و پیکره سازی مانند شعر و نثر می ماند. گاهی وقتها موضوعی در یک نقاشی جلوه می دهد و نمایانتر است و گاهی وقتها در پیکره سازی. البته به ذهن و زوق شخص هم بستگی دارد، در پیکره سازی موضوع و هدف و نیت هنرمند در یک جا جمع می شود و در یک فرم نمایان

می‌شود؛ اما در نقاشی می‌توان موضوع را پراکنده و در فضا و میدانی بازتر ترسیم کرد و این فضا در نقاشی در اختیار هنرمند قرار دارد و من بیشتر به فعالیت در زمینه پیکره‌سازی مشغولم؛ اما گاهی به نقاشی هم می‌پردازم و بیشتر آثارم انتزاعی است.

• به نظر شما برخورد مسئولین در رابطه با هنر و هنرمند باید چگونه باشد. البته این سوال ما از اکثر هنرمندان است؟

- دلیل پرسیدن این سوال از اکثر هنرمندان همان کم‌توجهی مسئولین است و گرنه شما باز مجبور به تکرار چنین سوالی نمی‌شدید. البته من معتقدم و مسئولین هم همانند مردم فاقد اطلاع آموزش و اطلاع درست از هنر هستند و اگر بدانند یک اثر هنری به چه اندازه برای یک فرد، ایده، فکر، یک شهر و یک جامعه تاثيرگذار و مفید خواهد بود؛ قطعاً برای شناخت و ارئه هنر و پشتیبانی از صاحب اثر تلاش و جدیت بیشتری می‌کردند. برای مثال دو خانه را در نظر بگیرید در یکی از خانه‌ها حیاطی پر از گل و گیاه و درختان و فضای طبیعی و دیگری خانه‌ای با حیاطی خشک و فاقد گل و گیاه می‌باشد؛ فرزندان کدام خانه بیشتر در آرامش و آسایش خواهند بود و ساکنان کدام خانه دارای دیدگاه زیباشناختی خواهند بود، به همان اندازه هم ارائه و تولید آثار هنری در حوضه‌های مرتبط با جامعه تاثيرگذار خواهد بود.

• مشکلات سر راه یک هنرمند و علی‌الخصوص یک هنرمند پیکره‌ساز در یک جامعه سنتی چه می‌تواند باشد؟

- البته مشکلات بر سر راه هنرمند و هنرمندان زیاد و مختلف است؛ آن هم بر اساس حوزه فعالیت و جایگاه خود هنر. در جامعه سنتی ما علی‌الخصوص، پیکره‌سازی یک هنر نوپا است و قطعاً برای نشان‌دادن این هنر ارزشمند و ارتقاء جایگاه آن در ذهن و فکر مردم دچار مشکلات زیادی هستیم و کار ساده‌ای نیست. عده‌ای آن را بت‌سازی می‌خوانند. و این نگاه در مقایسه با جوامع پیشرفته و سرزمین‌هایی که این هنر را یک اثر و رکن اصلی زندگی می‌دانند بسیار متفاوت است. ما هنوز گرفتاریهای زیاد و راه طولانی در پیش‌رو داریم و در این راه نیازمند یاری مسئولین فرهنگی و مردمی هستیم که هنر را بخشی از زندگی خود می‌پندارند.

• در مورد پیکره‌سازان کرد برایمان بگویید؟

- پیکره‌سازان کرد همانند دیگر هنرمندان این سرزمین، عاشق فرهنگ و هنر خود و بی‌اعا و بی‌ریا می‌کوشند برای لذت‌بردن از تلاششان و خدمت به مردم. به نظر من در این رشته سرمایه‌های ملی کرد «هادی ضیاءالدینی» و «دارا حه‌مه سعید» هستند.

• دوست داری کدام پیکره‌ات در کردستان در میدانی نصب و در معرض دید عموم باشد؟

- البته پیکره زیاد است، و من تلاش خود را ادامه می‌دهم اما دوست دارم مجسمه «آشتی» ام در میدانی به نام میدان «آشتی» نصب شود، مجسمه‌ای به پاس تفکر سرزمینم و نمادی از آشتی خواهی «کردها».

• آینده پیکره‌سازی در کشور و علی‌الخصوص در کردستان را چگونه ارزیابی می‌کنید

- کشور را نمی‌دانم؛ اما آینده پیکره‌سازی کردستان را روشن می‌بینم و برای روشن‌تر شدن این مهم تمام تلاش خود را به کار خواهم گرفت.

• زیباترین پیکره‌ای که در کردستان دیده‌اید؟

- پیکره آزادی در میدان سنندج ساخته هادی ضیاءالدینی.





A S H T I



Photo Loghman Rahimi

By: Rebin Haydar
Boukan. 2008

□□□□ □□□□□ □□□□□□ □□ □□□□□ □□□□□□□□□□





ریبین» در حال کار در آکادمی مجسمه سازی خودش «



[دیدگاه](#) | نوشته شده در یکشنبه نهم آبان 1389 ساعت 10:15 توسط ربین ±

abstract figurative □□□□ □□ □ □□□□□

